

انجبار ضعف سند و گونه‌های آن از منظر محقق سبزواری با تکیه بر کتاب ذخیره المعاد*

حمید محمدی**

۴۳



سال سیزدهم / شماره ۲۵ / پاییز و زمستان ۱۴۰۱

چکیده

حدیث، گنجینه ارزشمندی است که در کنار قرآن کریم هدایت بشریت را دنبال می‌کند. اما از آنجا که احادیث به صورت آحاد به دست ما رسیده، لازم است با دقت بیشتری به آنها نگریست و مورد اعتبارسنجی قرار داد. در میان این روایات، برخی با ضعف سند روبه‌رو هستند. بزرگان حدیثی همواره در صدد بودند که مشکلات سندی را از طرق مختلف حل کنند. محقق سبزواری که در شمار یکی از بزرگترین فقهای امامیه در قرون متأخر به شمار می‌رود، احادیث کتاب گران‌سنگ ذخیره المعاد را مورد بررسی قرار داده و پیرامون انجبار ضعف اسناد آن گام برداشته است. این نوشتار با روش کتابخانه‌ای و به شیوه داده‌پردازی توصیفی - تحلیلی به رویکرد و روش مواجهه محقق سبزواری با احادیث ضعیف‌السند و چگونگی انجبار ضعف سند و گونه‌های آن از منظر ایشان پرداخته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که انجبار با روایت‌کردن اصحاب اجماع از راوی، شهرت روایت، نقل از کتب مشهور و اصول معتبر، روایت‌کردن صفوان و هم‌ردیفان او، تسامح در ادله سنن و تعدد اسناد روایت مهمترین گونه‌های انجبار سند در آثار اوست.

کلیدواژه‌ها: انجبار، ضعف سند، ذخیره المعاد، محقق سبزواری.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵.

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، ایران؛ (hamid387387@gmail.com).

در رجال دو بحث وثوق مُخبری و وثوق صدوری برای ارزیابی روایات آحاد مطرح است. هر کدام از این دو مسلک طرفدارانی دارند. در مسلک مخبری یا سندی که این روش در میان متأخرین بعد از علامه حلی (م ۷۲۶ ق) رواج پیدا کرد، میزان اعتبار صحت و سقم روایات را تنها سند حدیث می‌دانند و با سایر قرائن مثل عمل مشهور کاری ندارند؛ یعنی اگر راویان سند در کتب رجال توثیق شده بودند منقولات آنان پذیرفته می‌شود و الا احادیثشان جزء گزاره‌های دینی قلمداد نمی‌شود. در مقابل این مسلک، وثوق صدوری قرار دارد که معیار اعتبارسنجی احادیث را تنها اسناد نمی‌داند بلکه از سائر قرائن برای حصول اطمینان بهره می‌برد. این روش که بیشتر در میان قدماء رواج داشته، در میان متأخرین نیز طرفدارانی دارد؛ زیرا در نظر این دیدگاه اگر بخواهیم فقط به وثاقت سندی اکتفاء کنیم بسیاری از احادیث را از دست خواهیم داد که به گفته مرحوم آیت‌الله زنجانی:

اگر به سبک شهید ثانی و فرزندش شیخ حسن عاملی در مورد روایات پیش برویم
برای ما فقط به اندازه الفیه باقی می‌ماند.^۱

در ادامه نظرات برخی از صاحب‌نظرانی که به وثاقت صدوری قائل هستند ذکر می‌شود تا محل بحث به‌خوبی روشن شود. مجلسی اول، در روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه آورده است:

در این هنگام، آشکار می‌شود که افراط بعضی از معاصرین در اینکه علم به این اخبار داریم، بلکه به هر خبری که منسوب به امام علیه السلام باشد، گرچه از اهل سنت باشد و همچنین تقریب بعضی با رد کردن هر خبری به این دلیل که از آحاد است و تنها ظن می‌آورد و ما از پیروی از ظن، نهی شده‌ایم. این دو نظر، خارج از حد اعتدال است؛ بلکه ظاهر آن است که می‌توان به خبر صحیح خالی از قرینه عمل کرد، مگر اینکه با ظاهر قرآن و یا سنت متواتر، مخالف باشد؛ عمل به خبر غیر صحیح، در صورتی که همراه با قرائن باشد، جائز است.^۲

آقا ضیاء عراقی در نهایة الافکار می‌نویسد:

۱. جایگاه حدیث و علوم اسلامی، ص ۷۲.
۲. روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۱.

ملاک حجیت، تنها بر پایه وثوق در نقل روایت است؛ به گونه‌ای که احتمال کذب روایت به درجه‌ای ضعیف باشد که عقلاء به آن توجهی نکنند و نیز تعبیر به مأمونیت در دین و دنیا، تنها از این جهت است که لازمه‌اش وثوق به حدیث است نه از این جهت که مأمونیت راوی در حجیت روایت او، خصوصیت داشته باشد.^۱

محقق اصفهانی در نه‌ایة الدراییه می‌نویسد:

سخن درباره جابریت و موهنیت، به اجمال چنین است؛ ولی درباره جابری بودن چون دلیل حجیت خبر واحد دلالت بر حجیت خبر موثق الصدور دلالت می‌کند، بنابراین اگر وثوق به صدور خبر پدید آید، گرچه از راه غیر معتبر باشد، موضوع حکم وجداناً و قهراً فراهم شده است و در نتیجه دلیل خبر واحد، شامل آن می‌گردد.^۲

آیت‌الله سبحانی از استادش آیت‌الله بروجردی نقل می‌کند:

شیخ صدوق از کتاب‌های مشهور نقل کرده است که مورد اعتماد اصحاب بوده و محل مراجعه آنها قرار می‌گرفته است. و ذکر سند توسط صدوق تنها از باب تبرک بوده است یعنی می‌خواستند احادیث را از حالت ارسال خارج کرده و به صورت مسند نقل کند هر چند که تمام روایات‌اش مسانید بوده است؛ چون انتساب این کتاب‌ها به صاحبانشان مشهور بوده است و به همین دلیل نیازی به ذکر طریق نبوده است. و آن چیزی که به این مطلب دلالت می‌کند، مقدمه کتاب است که فرموده است: و تمام آنچه من نقل می‌کنم از کتاب‌های مشهوری است که مورد اعتماد بوده و محل رجوع است مثل کتاب حریر بن عبدالله سجستانی، کتاب عبیدالله بن علی حلبی، کتاب‌های علی بن مهزیار اهوازی ...^۳



۱. نه‌ایة الأفكار، ج ۳، ص ۱۳۴.

۲. نه‌ایة الدراییه فی شرح الکفایة، ج ۳، ص ۴۳۳.

۳. من لایحضره الفقیه، ص ۱، ص ۳؛ کلیات فی علم الرجال، ص ۳۸۵.

از مجموع گفتار عالمان شیعه، به دست می‌آید که اکثریت قریب به اتفاق عالمان شیعه، به حجیت خبر موثوق به، معتقدند و تنها خبر ثقه را حجت نمی‌دانند. بنابراین، عالمانی چون مرحوم خوبی که تنها خبر ثقه را حجت می‌دانند و بدان پایبندند، جداً در اقلیت هستند. شهید ثانی و کسانی مانند صاحب مدارک نیز شاید از این گروه باشند.^۱

در این میان با توجه به جایگاه فقهی و اصولی محقق سبزواری در نزد متأخران و رویکرد وی در اعتبار و حجیت روایات محکوم به ضعف سند که همان مسلک وثوق صدوری را پیموده است، اهمیت بازخوانی شیوه و سبک او ضرورت می‌یابد. از این رو مسئله اساسی در این نوشتار آن است که محقق سبزواری در مواجهه با ضعف سند از چه شیوه‌های به منظور انجبار ضعف سند در کتاب ذخیره المعاد بهره برده است.

اما درباره پیشینه موضوع مورد بحث نیز باید بیان کرد که با بررسی‌های انجام گرفته توسط نگارنده، این نتیجه حاصل شده است تا کنون هیچ پژوهشی اعم از پایان نامه و مقاله تحت عنوان پژوهش پیش رو صورت نپذیرفته است و این اولین نوشتار در این باره است و امید است پژوهشگران به ابعاد مختلف آثار محقق سبزواری اهتمام داشته باشند.

روش محقق سبزواری در انجبار ضعف سند

محقق سبزواری اخبار ضعیف را به شرط محفوف به قرینه صدق ارزیابی کرده و می‌پذیرد. ایشان برای این منظور به قرائتی استناد می‌نماید که در ذیل به آنها اشاره می‌شود.

۱. نقل اصحاب اجماع از راوی

«اصحاب اجماع» اصطلاحی در علم رجال است و مراد از آن توثیق هجده نفری است که کشی (م حدود ۳۴۰ ق) در مورد تصدیق و تصحیح روایات آنان از منظر امامیه در رجال خود ادعای اجماع کرده است؛ گروه اول: شش نفر از اصحاب مشترک امام باقر و امام صادق علیهما السلام: زراره، معروف بن خربوذ، برید، ابوبصیر اسدی، فضیل بن یسار و محمد بن مسلم طائفی که فقه‌ترین آنها زراره معرفی شده است. البته برخی به جای ابوبصیر اسدی، ابوبصیر مرادی (لیث بن بختری) را ذکر کرده‌اند.^۲ گروه دوم شش نفر از اصحاب امام صادق علیه السلام: جمیل بن دراج، عبدالله بن مسکان، عبدالله بن

۱. اعتبار روایات کافی، ص ۴۰۵.

۲. رجال الکشی، ج ۲، ص ۵۰۷.

بکیر، حماد بن عیسی، حماد ابن عثمان و ابان بن عثمان که فقیه‌ترین این گروه جمیل بن دراج معروفی شده است.^۱ گروه سوم: شش نفر از اصحاب مشترک امام کاظم و امام رضا علیهما السلام: یونس بن عبدالرحمن، صفوان بن یحیی بیاع السابری، محمد بن ابی عمیر، و عبدالله بن مغیره، و حسن بن محبوب. و أحمد بن محمد بن ابی نصر ولی برخی به جای حسن بن محبوب، حسن بن علی بن فضال و فضالة بن ایوب را بیان کرده‌اند و برخی به جای ابن فضال، عثمان بن عیسی را ذکر نموده‌اند که فقیه‌ترین این گروه یونس بن عبدالرحمن، و صفوان بن یحیی هستند.^۲ ثمره پذیرش این مبنا در نقد روایات مرسل و دیگر موارد در روش حدیثی محقق سبزواری آشکار می‌شود.

حدیث‌پژوهان و فقیهان برداشت‌های گوناگونی از این قاعده کرده‌اند که می‌توان آن را در سه

دیدگاه خلاصه کرد:

مراد از نقل اصحاب اجماع تصدیق و تصحیح روایات آنان است؛ بنابراین اگر سند حدیثی تا اصحاب اجماع صحیح باشد به بقیه سند توجه نمی‌شود، هر چند در سند آن ضعفی وجود داشته باشد و یا اینکه راوی ضعیف باشد یا سند منقطع شده باشد. در حقیقت این همان صحت قدمایی است. شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴ ق) از طرفداران این قول است.^۳

منظور از توثیق اصحاب اجماع، تمام کسانی است که اصحاب اجماع از آنان به نقل روایت پرداخته‌اند. چنین برداشتی در حقیقت بیانگر صحت متعارف از دیدگاه متأخران است؛ یعنی حدیثی که تمام راویان آن ثقة باشند. مجلسی اول (م ۱۰۷۰ ق) به این نظر متمایل است.^۴ این قاعده بیانگر توثیق فقط اصحاب اجماع است و نه چیز دیگر. برخی از متأخران از جمله آیت‌الله خویی (م ۱۴۱۳ ق) به این دیدگاه گراییده است.^۵

در میان این نظرات، قول اول بین علماء شهرت دارد که از عبارت کشی این‌گونه برداشت کرده‌اند که اگر این اصحاب از روایت‌کننده‌ای اگر چه مجهول و مهمل باشد، روایت کنند، آن روایت

۱. همان، ج ۲، ص ۶۷۳.

۲. همان، ج ۲، ص ۸۳۰.

۳. وسائل الشیعه، ج ۳۰، ص ۲۲۱.

۴. روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۱۴، ص ۱۹.

۵. معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، ج ۱، ص ۵۹.



صحیح و نقل آنان از چنین شخصی دلیل بر توثیق او خواهد بود و اگر این راویان، پس از خود سند روایت را به طور مرسل نقل کرده باشند، نیز معتبر خواهد بود.^۱

محقق سبزواری در موارد چند از این قاعده برای جبران ضعف اسناد روایات بهره برده است: **یک.** در اینکه آیا می‌توان بدون وضوء آیات قرآن را مسّ کرد یا خیر، بین فقهاء اختلاف آراء وجود دارد. محقق سبزواری برای این منظور روایتی از تهذیب نقل می‌کند که در آن نام یکی از اصحاب اجماع قابل مشاهده است:

مَا أَخْبَرَنِي بِهِ الشَّيْخُ أَيَّدَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ وَ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيْزِ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِنْدَهُ فَقَالَ يَا بُنَيَّ اقْرَأِ الْمُصْحَفَ فَقَالَ إِنِّي لَسْتُ عَلَى وَضُوءٍ فَقَالَ لَا تَمَسَّ الْكِتَابَ وَ مَسَّ الْوَرَقَ وَ اقْرَأهُ.^۲

با اینکه این روایت از جهت سندی ارسال دارد ولی محقق سبزواری می‌فرماید:

و في هذا الخبر ضعف من حيث الإرسال لكن الخبر صحيح إلى حماد بن عيسى و هو ممن أجمعت العصابة على تصحيح ما يصح عنه و فيه إشعار ما بقوة الخبر؛ این روایت به جهت ارسال ضعیف است ولی تا «حماد بن عیسی» صحیح است و ایشان کسی است که طائفه امامیه بر صحت روایتی که به سند صحیح به او برسد اجماع دارند و در این عمل امامیه، اشعاری به قوت حدیث است.^۳

دو. زمانی که خورشید و ماه گرفتگی به صورت کامل رخ دهد در اینکه کسی از روی عمد نماز آیات را ترک کند، قضای نمازی بر او واجب است شکی نیست ولی باید برای قضای نماز آیات غسل هم واجب است یا خیر بین فقهاء اختلاف نظر وجود دارد؛ شیخ طوسی و اکثر متأخرین قائل به استحباب غسل شده‌اند و شیخ مفید و علم‌الهدی به استحباب غسل فتواء داده‌اند البته بدون شرط

۱. دانش درایة الحدیث همراه با نمونه‌های حدیثی و فقهی، ص ۲۶۷.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۱۲۷.

۳. ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، ج ۱، ص ۳.

گرفتگی کامل خورشید و ماه و از سید مرتضی، ابی الصّلاح و سلار نقل شده که به وجوب غسل با دو شرط ترک عمدی نماز و گرفتگی کامل خورشید و ماه قائل شده‌اند. محقق سبزواری به استحباب غسل برای کسی که عمداً نماز آیات را نخوانده باشد، قائل می‌شود بدون اینکه بین گرفتگی کامل و ناقص فرقی بگذارد.^۱ وی دلیل نظرش را روایتی می‌داند که شیخ طوسی از حماد نقل می‌کند:

عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيْزِ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا انْكَسَفَ الْقَمَرُ فَاسْتَيْقِظَ الرَّجُلُ وَ لَمْ يُصَلِّ فَلْيَغْتَسِلْ مِنْ غَدٍ وَ لِيَقْضِ الصَّلَاةَ وَ إِنْ لَمْ يَسْتَيْقِظْ وَ لَمْ يَعْلَمْ بِانْكَسَافِ الْقَمَرِ فَلَيْسَ عَلَيْهِ إِلَّا الْقَضَاءُ بِغَيْرِ غُسْلٍ.^۲

این روایت مثل روایت قبلی با مشکل ارسال روبه‌رو است. ولی محقق سبزواری از چند طریق از این اشکال جواب می‌دهند و قائل‌اند می‌توان ضعف آن را جبران نمود؛ زیرا اولاً، این روایت نزد اصحاب مورد عمل شده و ثانیاً، نزد آنها مشهور است و ثالثاً، حماد بن عیسی جزء اصحاب اجماعی است که امامیه اتفاق دارند اگر سند روایات تا اصحاب اجماع صحیح باشد ما بعد آن حتی اگر روای آن نزد ما مجهول باشد مورد قبول است و رابعاً، قاعده مسامحه در ادله سنن در اینجا جاری است.^۳

همان‌طور که ملاحظه می‌شود دومین راهی که محقق سبزواری برای جبران ضعف روایت مورد استفاده قرار می‌دهند، قاعده اصحاب اجماع است.

سه. در اینکه در وضوء باید موالات رعایت شود تردیدی نیست؛ برخی از احادیث دال بر این مطلب است؛^۴ اما در غسل برخی از اخبار بر عدم موالات دلالت می‌کنند:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَمْرٍو الْيَمَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ + قَالَ: إِنَّ عَلِيًّا + لَمْ يَرَبَأْسًا أَنْ يُغْسَلَ الْجُنُبُ رَأْسَهُ غُدْوَةً وَ يُغْسَلَ سَائِرَ جَسَدِهِ عِنْدَ الصَّلَاةِ.^۵

۱. همان، ج ۱، ص ۸.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۱۱۷.

۳. ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، ج ۱، ص ۸.

۴. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۸۷.

۵. الکافی، علی اکبر غفاری و دیگران، ج ۳، ص ۴۴.

ابراهیم بن عمر توسط ابن غضائری تضعیف شده است.^۱ ولی محقق سبزواری بر آن است حماد بن عیسی که از اصحاب اجماع است از وی نقل می‌کند و این نقل در حق ابراهیم بن عمر توثیق محسوب می‌شود و در ادامه اضافه بیان می‌کند نجاشی ابراهیم بن عمر را توثیق کرده است.^۲ از کلمات محقق سبزواری به روشنی معلوم است که ایشان درباره اصحاب اجماع همان قول اول که دیدگاه مشهور فقهاء است را می‌پذیرند. بدین معنا اگر سند روایت تا اصحاب اجماع صحیح‌السند باشد از مابقی افراد حتی اگر مجهول باشند، روایاتشان را می‌پذیرند؛ چون نظر مشهور این است که اصحاب اجماع از افراد ثقه نقل می‌کنند، هر چند در دیدگاه ما مجهول الحال باشند.

۲. انجبار سند روایت با شهرت

باید دانست شهرت در اصطلاح صاحب‌نظران به گفته مرحوم مظفر (م ۱۳۸۳ ق) دو مصداق دارد که یک قسم آن جابر ضعف سند روایت است:

الف. شهرت روایی: شهرت نقل روایت از عده‌ای روات به گونه‌ای که به حد تواتر نمی‌رسد. در این نوع شهرت، شرط نیست عمل طبق خبر نزد فقهاء هم مشهور باشد، ممکن است شهرت داشته باشد و ممکن است شهرت نداشته باشد. کاربرد این نوع از شهرت در باب تعارض اخبار است؛ زیرا شهرت روایی از جمله مرجحات است که موجب ترجیح یک روایت بر روایت دیگر در باب تعارض می‌شود. این نوع شهرت از قلمرو موضوع این مقاله خارج است و صرف شهرت روایت، جابر ضعف سند آن نمی‌شود.

ب. شهرت فتوائیه: فتوای مشهور فقها به حکمی از احکام شرعی به درجه اجماع نرسد که موجب قطع به قول معصوم شود.

شهرت در فتوی به دو قسم تقسیم می‌شود:

۱. شهرت فتوائیه: فتوایی که نزد فقهاء مشهور است ولی مستند آن معلوم نیست و فرقی نمی‌کند روایتی طبق آن موجود باشد ولی مستند مشهور واقع نشده یا استنادشان معلوم نیست یا اینکه اساسا خبری طبق فتوایی مشهور وجود ندارد.

۲. شهرت عملیه: شهرت فتوائیه که مستند آن روایت خاصی است که برایمان مشخص و معلوم است. این نوع شهرت محل بحث است که آیا موجب انجبار ضعف سند روایت می‌شود یا خیر؟

۱. رجال ابن غضائری، ص ۳۶.

۲. ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، ج ۱، ص ۵۷.

برخی از عالمان مثل آیت الله خویی برآند شهرت فتوائیه نمی‌تواند ضعف سند را جبران کند؛ ولی بسیاری از فقهاء و صاحب‌نظران مثل محقق سبزواری شهرت عملیه را جابر ضعف سند روایت می‌دانند. به‌عنوان نمونه به بعضی از استنادات ایشان اشاره می‌شود.

یک. در وجوب نماز آیات برای خورشید و ماه گرفتگی اختلافی بین اصحاب نیست و برای آن ادعای اجماع شده است^۱ و اخبار صحیح هم بر آن دلالت دارند از جمله:

عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: صَلَاةُ الْعِيدَيْنِ فَرِيضَةٌ وَصَلَاةُ الْكُسُوفِ فَرِيضَةٌ.^۲

اما در مورد نماز آیات برای زلزله گفتگوست؛ علامه حلی برای وجوب آن ادعای اجماع کرده است^۳ و کلام ابن‌جنید و ابن‌زهره بر این امر صراحت ندارند ولی ظاهر سخنشان بر وجوب دلالت دارد؛ زیرا فرموده‌اند: برای هر ترس آسمانی باید نماز آیات خوانده شود.^۴ ولی ابوالصلاح غیر از وجوب نماز آیات برای خورشید و ماه گرفتگی چیز دیگری نفرموده است.^۵ و در نظر محقق سبزواری این نماز به دلیل روایتی که شیخ صدوق نقل کرده، واجب است:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّبْلَمِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الزَّلْزَلَةِ مَا هِيَ قَالَ آيَةٌ... قُلْتُ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَمَا أَصْنَعُ قَالَ صَلِّ صَلَاةَ الْكُسُوفِ.^۶

ولی این روایت به خاطر راوی آن «سلیمان دیلمی» که از سوی نجاشی به غلو و دروغ‌گویی وصف شده، ضعیف است.^۷ مرحوم سبزواری برای انجبار ضعف این حدیث می‌نویسد:

ضعف الروایة سنداً و دلالة ینجبر بعمل الأصحاب و فتاویهم؛ ضعف سند و دلالت این حدیث با عمل کردن اصحاب و فتوا دادن طبق آن جبران می‌شود.^۸



۱. همان، ج ۲، ص ۳۲۳.
 ۲. الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، ج ۱، ص ۴۴۳.
 ۳. تذکرة الفقهاء، ج ۴، ص ۱۷۸.
 ۴. ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، ج ۲، ص ۳۲۳.
 ۵. همان، ج ۲، ص ۳۲۳.
 ۶. علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۵۶.
 ۷. رجال النجاشی، ص ۱۸۲.
 ۸. ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، ج ۲، ص ۳۲۳.

دو. یکی از واجبات مسلم در دین اسلام پرداخت زکات فطره است. ولی بحث در این است که برای چه کسانی باید این زکات پرداخت شود؛ طبق حدیث صحیح هر کسی که شب عید فطر اعم از اینکه مذکر باشد یا مؤنث، حر باشد یا عبد، کوچک باشد یا بزرگ، زکات فطره اش واجب خواهد بود.^۱ ولی در اینکه برای عبد مکاتبه، عبد همسر، عبد نصرانی و مجوسی هم زکات فطره واجب است یا خیر، مرفوعه محمد بن احمد از امام صادق علیه السلام بر آن دلالت دارد:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ بَيْحَيِّ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: يُؤَدِّي الرَّجُلُ زَكَاتَهُ عَنْ مَكَاتِبِهِ وَ رَقِيقِ امْرَأَتِهِ وَ عَبْدِهِ النَّصْرَانِيِّ وَ الْمَجُوسِيِّ وَ مَا أَغْلَقَ عَلَيْهِ بَابَهُ.^۲

همان طور که در سند ذکر شده، این حدیث مرفوعه است و در آن ارسال رخ داده است و این باعث ضعف روایت شده است. ولی محقق سبزواری می نویسد:

و إن كان مرسلًا إلا أن فضلاء الأصحاب أفتوا بمضمونه؛ هر چند این روایت ارسال دارد ولی فضلاء اصحاب به مضمون آن فتوا داده اند.^۳

این فتوادادن اصحاب به مضمون حدیث در نظر محقق سبزواری باعث جبران ضعف روایت می شود.

سه. میت آدمی بعد از سرد شدن و قبل از غسل دادن در نجاستش اختلافی نیست و برای آن اجماع نیز نقل شده است^۴ و در این زمینه علاوه بر روایت صحیح که از محمد بن حسن صفار نقل شده^۵ دو روایت دیگر نیز در کتب حدیثی آمده است؛ روایت اول حسنه حلبی:

عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَمَسُّ الْمَيْتَ أَوْ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يُغْتَسَلَ مِنْهَا قَالَ لَا إِتِمَّا ذَلِكَ مِنَ الْإِنْسَانِ وَحْدَهُ قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُصِيبُ ثَوْبَهُ جَسَدَ الْمَيْتِ فَقَالَ يَغْسِلُ مَا أَصَابَ الثَّوْبَ.^۶

۱. الکافی، ج ۴، ص ۱۷۳.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۷۲.

۳. ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، ج ۲، ص ۴۷۲.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۴۷.

۵. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۲۹.

۶. الکافی، ج ۳، ص ۱۶۱.

حسنه بودن این روایت در نظر محقق سبزواری به خاطر «ابراهیم بن هاشم» است که توفیق صریح در مورد او وارد نشده است^۱ و روایت دوم:

عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَيْمُونٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَقَعُ ثَوْبُهُ عَلَى جَسَدِ الْمَيِّتِ قَالَ إِنْ كَانَ غَسَلَ الْمَيِّتَ فَلَا تَغْسِلُ مَا أَصَابَ ثَوْبَكَ مِنْهُ وَإِنْ كَانَ لَمْ يُغَسَّلِ الْمَيِّتَ فَاغْسِلْ مَا أَصَابَ ثَوْبَكَ مِنْهُ.^۲

علت ضعیف بودن این روایت مجهول بودن روای آن «ابراهیم بن میمون» است که در کتبی رجالی برای آن وصفی ذکر نشد است.^۳ محقق سبزواری در ادامه برای جبران ضعف این دو روایت می نویسد:

۵۳ قصور هاتین الروایتین عن الصحة غیر قادح لما عرفت مرارا سیما بعد



انضمامهما إلى عمل الأصحاب؛ ضعیف بودن این روایت ضرر نمی زند؛ زیرا مکرر دیده ای اخبار ضعیف بعد از عمل اصحاب از حالت ضعف خارج می شوند.^۴

باید به این نکته توجه داشت در نظر محقق سبزواری آنچه باعث جبران ضعف روایت می شود، عمل پیشینیان از علماء طبق روایت است نه عمل پسینیان؛ ایشان در مواردی به این امر تصریح دارد.^۵

۳. نقل از کتب مشهور و اصول معتبر

بررسی تاریخ حدیث شیعه در سده های نخست هجری، نشان می دهد بخشی از احادیث با گفت و گو به صورت سینه به سینه از برخی راویان به دیگران منقل شد؛ ولی تقریباً همه آنها به شکل های متنوع نوشتاری در آمد. بررسی شواهد گوناگون تاریخ حدیث شیعه، گواه آن است که نوشته ها، وظیفه مهم انتقال این میراث را بر عهده گرفتند و از همان ابتداء با تأکید و سفارش

۱. رجال النجاشی، ص ۱۶.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۲۷۶.

۳. رجال الطوسی، ص ۱۶۷.

۴. ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، ج ۱، ص ۱۴۷.

۵. همان، ج ۱، ص ۴؛ همان، ج ۱، ص ۱۰۷.

اِثْمَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ این مکتوبات بودند که زمینه نقل و گسترش معارف اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را فراهم آوردند؛ به عبارت دیگر، میراث حدیثی امامیه از طریق مکتوبات متولد شد و بالید.^۱

قدمای اصحاب ما در نقد میراث حدیثی، افزون بر نقد رجالی، به نقد فهرستی (کتاب‌شناسی) نیز می‌پرداختند و اگر روایتی در کتب مشهور وجود داشت و مشایخ حدیث هم آن را انتقال داده و تحمل نموده بودند، بدان روایت اعتماد می‌کردند و آن را معتبر می‌شمردند.^۲ مثل شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) که دلیل عدم ذکر سند در کتاب‌هایش را این می‌داند که روایات من از کتاب‌های معروف مثل کتاب حریر بن عبدالله سجستانی، کتاب عبیدالله بن علی الحلبی، کتاب‌های علی بن مهزیار اهوازی و این موارد نیازی به سند ندارد.^۳

معروف بودن کتاب در نزد صدوق، قرینه بر صدور روایت از معصوم است، بدین جهت صدوق روایت بی‌سند را گاهی معتبر می‌شمارد و مراسیل صدوق معروف است. یکی از مواردی که محقق سبزواری برای جبران ضعف اسناد روایات به کار می‌برد نقل روایات از مصادر معتبر است.

یک. مسئله تداخل و یا عدم تداخل اسباب بسیار مهم بوده و در فقه ثمراتی بر آن بیان کرده‌اند. یکی از مواردی که در فقه مورد بحث واقع شده این است که بر شخص مکلف چند غسل واجب شده، آیا یک غسل کفایت از همه غسل‌ها می‌کند (تداخل) یا اینکه باید برای هر سبب، غسل جداگانه انجام دهد (عدم تداخل)؟ نظر علامه حلی این است که باید به تعداد سبب‌ها غسل انجام دهد.^۴ ولی محقق سبزواری تداخل اسباب را به خاطر روایتی که زراره نقل کرده است می‌پذیرد:

عَنْ حَرِيرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: إِذَا اغْتَسَلْتَ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ أَجْرًا كَ غُسْلِكَ ذَلِكَ لِلْجَنَابَةِ وَالْجُمُعَةِ وَعَرَفَةَ وَالتَّحْرِ وَالْحَلْقِ وَالذَّبْحِ وَالرَّيَّازَةَ ... °

مشکلی این روایت با آن مواجه است، موقوف بودن آن است و زراره آن را به امام عَلَيْهِ السَّلَامُ منتسب نمی‌کند. جوابی که محقق سبزواری از این اشکال می‌دهد آن است که درست است که این روایت در

۱. حدیث و اعتبار کتاب محور، ص ۳۱.

۲. بازسازی متون کهن حدیث شیعه (روش، تحلیل، نمونه)، ص ۱۸۲.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳.

۴. ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، ج ۱، ص ۸.

۵. الکافی، ج ۳، ص ۴۱.

کتاب کافی به صورت موقوف بیان شده است ولی ابن ادریس در آخر سرائر آن را از مشیخه متقدمین نقل کرده است و این روایت از کتاب حریر بن عبدالله سجستانی از زراره از امام باقر علیه السلام نقل شده است و از موقوف بودن خارج می‌شود؛ بنابراین این روایت صحیح است؛ زیرا کتاب حریر اصل معتمد و مورد عمل بین اصحاب بوده است.^۱

دو. در وجوب کفاره برای کسی که روزه ماه مبارک رمضان را عمدًا باطل کرده بحثی نیست؛ زیرا بسیاری از اخبار بر این مطلب دلالت دارند^۲ ولی در اینکه کسی بعد از ظهر، قضای روزه ماه رمضان را عمدًا باطل کند، کفاره واجب می‌شود یا خیر بین علماء اختلاف نظر وجود دارد؛ مشهور فقهاء به وجوب کفاره قائل هستند در حالی که شیخ طوسی وجوب کفاره را برای کسی که بعد از عصر، روزه را باطل کند به صورت احتمالی می‌پذیرد ولی ابن عقیل بر عدم وجوب کفاره فتوا داده است.^۳ کسانی که به وجوب کفاره قائل شده‌اند به روایتی که کلینی و صدوق نقل کرده‌اند تمسک می‌کنند:

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ+ فِي رَجُلٍ أَتَى أَهْلَهُ فِي يَوْمٍ يَقْضِيهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ قَالَ إِنْ كَانَ أَتَى أَهْلَهُ قَبْلَ زَوَالِ الشَّمْسِ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ إِلَّا يَوْمَ مَكَانَ يَوْمٍ وَإِنْ كَانَ أَتَى أَهْلَهُ بَعْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ فَإِنَّ عَلَيْهِ أَنْ يَتَصَدَّقَ عَلَى عَشْرَةِ مَسَاكِينَ فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ صَامَ يَوْمًا مَكَانَ يَوْمٍ وَصَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ كَفَّارَةً لِمَا صَنَعَ.^۴

در سند این روایات «حارث بن محمد» وجود دارد که در کتب رجالی برای آن مدح و قدحی وارد نشده است الا اینکه او دارای «اصلی» بوده که أحمد بن محمد بن عیسی از ابن ابی عمیر از ابن محبوب از حارث بن محمد نقل می‌کرده است و این اصل داشتن وی و اعتماد روات به آن اصل به حسن حال او اشعار دارد.^۵ و از این رو شیخ صدوق دلیلی که برای اعتبار کتاب خود بیان می‌کند استخراج احادیث از کتب مشهور و معتبر است و محل رجوع علماء بوده است:

وَجَمِيعُ مَا فِيهِ مُسْتَخْرَجٌ مِنْ كُتُبٍ مَشْهُورَةٍ عَلَيْهَا الْمُعْوَلُ وَإِنَّهَا الْمَرْجِعُ.^۶

۱. ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، ج ۱، ص ۹.

۲. همان، ج ۲، ص ۵۰۸.

۳. همان، ج ۲، ص ۵۰۸.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۴۹؛ الکافی، ج ۴، ص ۱۲۲.

۵. ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، ج ۲، ص ۵۰۸.

۶. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳.

صفوان و هم ردیفان او

بر اساس سخن شیخ طوسی در کتاب «العدة فی اصول الفقه» مشایخ محمد ابن ابی عمیر، صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر را ثقه دانسته‌اند. شیخ طوسی در هنگام بحث از مرجحات اخبار و حکم مراسیل، درباره این سه راوی می‌نویسد:

أنهم لا یروون و لا یرسلون إلا عن یوثق به.^۱

از این عبارت چنین برداشت می‌شود که روش این سه نفر به گونه‌ای بوده که فقط از اساتید ثقه نقل حدیث می‌کرده‌اند. دانشیان بسیاری بر این اساس مراسیل سه نفر را پذیرفته‌اند و به وثاقت مشایخ آنان قائل شده‌اند.^۲ برخی از صاحب‌نظران هم در صدور رد این قاعده بر آمده‌اند.^۳ محقق سبزواری از جمله کسانی که این قاعده را پذیرفته است و در توضیح آن در ذیل روایتی که صفوان و ابن ابی عمیر وجود دارند، می‌نویسد: این دو نفر جز موثقین و بزرگان هستند که اصحاب آنها را تمجید کرده و بر وثاقت و جلالت آنها اتفاق نظر دارند و جز از ثقه نقل نمی‌کنند.^۴ برای روشن مطلب به چند نمونه از استنادات ایشان به این قاعده اشاره می‌شود.

یک. نجاست خمر بین فقهاء مشهور است حتی سید مرتضی، شیخ طوسی و ابن زهره قائل‌اند در این مسئله اختلافی بین مسلمین وجود ندارد^۵ ولی برخی از فقهاء به طهارت خمر فتواء داده‌اند؛ ابن ابی عقیل و ابن بابویه برآنند خداوند خمر را حرام کرده و با این حرمت، نجاست خمر اثبات نمی‌شود.^۶ همچنین برخی از روایات دال بر طهارت خمر است که یکی از آنها روایتی است که حسین بن موسی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

عَنْ صَفْوَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ قَالَ حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُوسَى الْحَنَاطِي قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَشْرَبُ الْخَمْرَ ثُمَّ يَمْجُئُهُ مِنْ فِيهِ فَيُصِيبُ ثَوْبِي فَقَالَ لَا بَأْسَ.^۷

۱. العده فی اصول الفقه، ج ۲، ص ۱۵۴.

۲. کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، ج ۱، ص ۳۴۴؛ المعتمد فی شرح المختصر، ج ۱، ص ۴۷؛ ذکری الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۱، ص ۴۹.

۳. معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، ج ۱، ص ۶۵؛ بحوث فی علم الرجال، ص ۲۳۳.

۴. ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، ج ۱، ص ۱۴۶.

۵. همان، ج ۱، ص ۱۵۳.

۶. حیاة ابن ابی عقیل العماني و فقهه، ص ۹۸.

۷. الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، ج ۱، ص ۱۹۰.



«حسین بن موسی» که راوی این روایت است در کتب رجالی برای وی توثیقی نیامده است ولی به فرموده محقق سبزواری وی دارای کتابی بوده که ابن ابی عمیر آن را نقل کرده است و آنچه ظاهر است جلالت و بزرگی ابن ابی عمیر مانع از آن بوده که از ضعفاء نقل حدیث کند و همانا شیخ طوسی در کتاب «عدة فی اصل الفقه» تصریح دارد که ایشان فقط از ثقات نقل می‌کرده است و محقق سبزواری در ادامه چنین نتیجه می‌گیرد الحاق این روایت به صحیح بعید نیست.^۱ هر چند وی در پایان این بحث می‌فرماید اگر شهرت و اجماع منقول برای نجاست خمر وجود نداشت می‌تواستیم به طهارت خمر قائل شویم.^۲

دو. مشهور در بین متأخرین از فقهاء وجوب پاکی بدن و لباس هنگام طواف کعبه است ولی برخی از عالمان مثل ابن جنید و ابن حمزه قائل به کراهت نجاست لباس هنگام طواف شده‌اند. محقق سبزواری می‌فرماید نزدیکترین دلیلی که می‌توان برای کراهت بیان کرد روایتی است که شیخ طوسی آن را از أحمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی و او هم از برخی از اساتیدش نقل کرده است:

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
 قُلْتُ لَهُ رَجُلٌ فِي ثَوْبِهِ دَمٌ مِمَّا لَا يَجُوزُ الصَّلَاةُ فِي مِثْلِهِ فَطَافَ فِي ثَوْبِهِ فَقَالَ أَجْزَأَهُ
 الطَّوْفُ فِيهِ ثُمَّ يَنْزِعُهُ وَيُصَلِّي فِي ثَوْبٍ طَاهِرٍ.^۳

مرحوم سبزواری برای جبران ضعف سند روایت که از ناحیه ارسال رخ داده است از سه راه بهره می‌برد:

الف. مراسلات ابن ابی نصر در قوت مسند است.

ب. این روایت مطابق اصل است یعنی اصل عدم اشتراط پاکی بدن و لباس در طواف است.

ج. این روایت معارض ندارد.^۴

سه. مشهور در میان فقهاء و جهمور از متأخرین این است که آخر وقت نماز صبح، طلوع خورشید است.^۵ ولی برخی از فقهاء مثل ابن ابی عقیل، ابن زهره و شیخ طوسی در مبسوط قائل به تفصیل شده‌اند؛ برای شخصی که مختار است و در حالت عادی به سر می‌برد تا طلوع حمره مشرقیه

۱. ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، ج ۱، ص ۱۵۴.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۵۴.

۳. تهذیب الاحکام، ۵، ص ۱۲۶.

۴. ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، ج ۲، ص ۶۲۶.

۵. همان، ج ۲، ص ۱۹۸.

وقت باقی است ولی کسی که مضطر است تا طلوع آفتاب برای خواندن نماز صبح زمان دارد.^۱ محقق سبزواری نظر مشهور علماء را می‌پذیرد یعنی نماز صبح تا طلوع آفتاب زمان دارد؛ یکی از روایاتی که در این باره به آن استناد می‌کند، روایتی است که زراره از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند:

عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: وَقْتُ صَلَاةِ الْغَدَاةِ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ.^۲

ولی اشکالی که در سند این روایت وجود دارد از ناحیه «موسی بن بکر» است؛ زیرا رجالیان او را توثیق نکرده‌اند و تنها چیزی که درباره او ذکر شده واقفی بودن اوست.^۳ با این حال ولی محقق سبزواری او را صاحب کتابی می‌داند که توسط صفوان و ابن ابی عمیر روایت شده است و از این طریق وثاقت او را اثبات می‌کند.^۴

۴. تسامح در ادله سنن

در منابع روایی احادیثی وارد شده که به روایات «مَنْ بَلَغَ» شهرت یافته‌اند. مضمون این روایات آن است که اگر مطلبی به شما رسید و آن را به قصد ثواب انجام دادید، به ثوابش خواهید رسید حتی اگر از سوی معصوم علیه السلام بیان نشده باشد. به عنوان نمونه روایتی که هشام بن حکم از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ سَمِعَ شَيْئاً مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ فَصَنَعَهُ كَانَ لَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى مَا بَلَغَهُ.^۵

مشهور فقهاء برآنند جمله (فعله) به کار رفته در این احادیث انشائی است نه اخباری یعنی به معنای «فلیعمه» است و از این رو آنچه فقهاء از این روایات استفاده کرده‌اند، ثوابی که در این روایات بیان شده در خصوص مستحبات است نه واجبات.^۶ و طبق نظر مشهور این روایات اخبار ضعیف را در

۱. همان، ج ۲، ۱۹۸؛ المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۷۵.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۳۶.

۳. رجال الطوسی، ص ۳۴۳.

۴. ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، ج ۲، ص ۱۹۸.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۸۷.

۶. قاعدة التسامح فی ادلة السنن، ص ۵۲.

مستحبات حجیت می‌بخشد.^۱ محقق سبزواری نیز در مواردی برای جبران ضعف سند به این قاعده تمسک کرده است.

یک. در کلیت وضوء بین مرد و زن فرقی نیست الا اینکه در برخی از احادیث تفاوت جزئی بیان شده است؛ در روایتی که کلینی، شیخ طوسی و شیخ صدوق با کمی تفاوت لفظی از امام رضا علیه السلام نقل کرده‌اند. مرد در هنگام شستن دست از ظاهر آرنج و زن از داخل آرنج شروع کند:

ابن بزیر عن أبي الحسن الرضا عليه السلام قال: **فَرَضَ اللَّهُ عَلَى النِّسَاءِ فِي الوُضُوءِ لِلصَّلَاةِ أَنْ يَبْدُوْنَ بِبَاطِنِ أَرْجُلِهِنَّ وَ فِي الرِّجَالِ بظَاهِرِ الذَّرَاعِ.**^۲

در سند کافی و تهذیب به دلیل وجود «اسحاق بن ابراهیم» در کتب رجالی وصف حالی از او ذکر نشده است و مجهول است و در «من لایحضره الفقیه» به صورت مرسل نقل شده است. در نتیجه این روایت از جهت سند ضعیف خواهد بود. ولی محقق سبزواری این ضعف را از دو راه جبران می‌کند: اولاً، مورد عمل اصحاب قرار گرفته است و ثانیاً، قاعده ادله سنن در این حدیث جاری است.^۳

دو. ابن بابویه درباره قرائت در نماز ظهر روز جمعه به وجوب سوره جمعه و منافقین فتوا داده است.^۴ ولی در دیدگاه محقق سبزواری قرائت این دو سوره در نماز جمعه واجب نیست و رجحان دارد^۵ و همچنین خواندن این دو سوره در نماز عصر روز جمعه به خاطر روایت مرفوعه «ربعی و حریزی» رجحان دارد و ضعف سند این دو روایت ضرر نمی‌زند؛ زیرا قاعده تسامح در ادله سنن در اینجا جاری است.^۶

۵. تعدد اسناد روایت

در روایات وارده از معصومان علیهم السلام به کثرات دیده می‌شود متن واحد از چند طریق نقل شده است ولی تمامی آنها از جهت سند ضعیف هستند. آیت‌الله آصف محسنی تبانی روایان بر کذب در اینگونه

۱. همان، ص ۵۳.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۹؛ تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۷۷؛ الکافی، ج ۳، ص ۲۸.

۳. ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، ج ۱، ص ۴۲.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۰۷.

۵. ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۹.

۶. همان.

روایات را بعید می‌داند.^۱ و همچنین محقق سبزواری در مواردی فقه برای جبران ضعف اسناد روایات به این قاعده تمسک کرده است. طبق روایات نماز خواندن در لباسی که گوشت آن حرام است، اشکال شرعی دارد و نماز باید با پشم و پوست حیوان حلال گوشت باشد: عن ابی‌عبدالله علیه‌السلام:

أَنَّ الصَّلَاةَ فِي وَبَرٍ كُلِّ شَيْءٍ حَرَامٍ أَكَلُهُ فَالصَّلَاةُ فِي وَبَرِهِ وَ شَعْرِهِ وَ جِلْدِهِ
وَ بَوْلِهِ وَ رَوْثِهِ وَ كُلِّ شَيْءٍ مِنْهُ فَاسِدَةٌ لَا تُقْبَلُ تِلْكَ الصَّلَاةُ حَتَّى يُصَلِّيَ فِي
غَيْرِهِ مِمَّا أَحَلَّ اللَّهُ أَكْلَهُ.^۲

ولی برخی روایات وارده همراه داشتن این موارد در هنگام نماز بلا مانع است:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام أَنَّهُ قَالَ: كُلُّ مَا كَانَ
عَلَى الْإِنْسَانِ أَوْ مَعَهُ مِمَّا لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِيهِ وَحْدَهُ فَلَا بَأْسَ أَنْ يُصَلِّيَ
فِيهِ.^۳

هر چند امثال این روایات دچار ضعف سندى هستند ولی در نظر محقق سبزواری این ضرری به مدعی نمی‌زند؛ زیرا اولاً، تعدد اسناد دارند و یکدیگر را تقویت می‌کنند ثانیاً، شهرت دارند. ثالثاً، مورد عمل اصحاب واقع شده. رابعاً، مخالف عامه است خامساً، معارض ندارند. این موارد برای اثبات صحت سند کفایت می‌کند.^۴ همان‌طور که ملاحظه شد اولین راه حلی که محقق سبزواری برای جبران ضعف این دسته از روایات به کار بردند تعدد اسناد است.

نتیجه‌گیری

حاصل بررسی که در این پژوهش به‌دست آمد این است که محقق سبزواری مثل بسیاری از متأخرین در بررسی اسناد احادیث و ثوق صدور است بدین معنا که در اعتبارسنجی اسناد روایات تنها به توثیق رجالیان اکتفا نکرده و برای انجبار اسناد احادیث از قرینه‌های مختلفی همچون: روایت کردن اصحاب اجماع از راوی، شهرت روایت، نقل از کتب مشهور و اصول معتبر، روایت کردن صفوان و هم‌ردیفان او، تسامح در ادله سنن و تعدد اسناد روایت بهره می‌برد.

۱. مشرعة بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۳.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۲۰۹.

۳. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۵۷.

۴. ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، ج ۱، ص ۱۶۰.

فهرست منابع

۱. الإستبصار فيما اختلف من الأخبار، طوسی، محمد بن الحسن، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۹۰ ش.
۲. العدة فی اصول الفقه، طوسی، محمد بن الحسن، قم، محمد تقي علاقبنديان، ۱۴۱۷ ق.
۳. بازسازي متون کهن حديث شيعه (روش، تحليل، نمونه)، عمادی حائری، محمد، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۸ ش.
۴. بحوث في علم الرجال، محسنی، محمد آصف، قم، مرکز المصطفى ﷺ العالمي للترجمة و النشر، ۱۴۳۲ ق.
۵. تذكرة الفقهاء، علامه حلی، حسن بن يوسف، قم، مؤسسة آل البيت ﷺ، ۱۴۱۴ ق.
۶. تهذيب الاحكام، الإستبصار فيما اختلف من الأخبار، طوسی، محمد بن الحسن، محقق: حسن الموسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلاميه، ۱۴۰۷ ق.
۷. جایگاه حديث و علوم اسلامي، ربانی، محمد حسن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامي، ۱۳۹۸ ش.
۸. حديث و اعتبار كتاب محور، سرخه‌ای، احسان، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۰ ش.
۹. حياة ابن ابی عقيل العماني و فقهه، موسوی گلپایگانی، سيد محمد رضا، قم، السيد شرف الموسوی، ۱۳۷۱ ش.
۱۰. دانش درایة الحديث همراه با نمونه‌های حدیثی و فقهی، ربانی، محمد حسن، مشهد، دانشگاه علوم اسلامي رضوی، ۱۳۹۸ ش.
۱۱. ذخيرة المعاد فی شرح الارشاد، سبزواری، محمد باقر بن محمد مومن، قم، مؤسسة آل البيت ﷺ، بی تا.
۱۲. ذکرى الشيعة في أحكام الشريعة، شهيد اول، محمد بن مکی، قم، مؤسسة آل البيت ﷺ، ۱۴۱۹ ق.
۱۳. رجال ابن غضائری، ابن غضائری، احمد بن حسین، محقق: محمد رضا حسینی جلالی، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۲ ق.
۱۴. رجال الطوسي، طوسی، محمد بن حسن، محقق: جواد قیومی اصفهانی، جماعة

- المدرسين، ١٣٧٣ش.
١٥. رجال الكشي، كشي، محمد بن عمر، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ١٤٠٩ق.
١٦. رجال النجاشي، نجاشي، احمد بن علي، محقق: موسى شبيري زنجاني، قم، جماعة المدرسين، ١٣٦٥ش.
١٧. روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، مجلسي، محمدتقي بن مقصودعلي، ايران، بنياد فرهنگ اسلامي كوشانپور، ١٤٠٦ق.
١٨. علل الشرائع، ابن بابويه، محمد بن علي، قم، كتاب فروشي داوري، ١٣٨٥ش.
١٩. قاعدة التسامح في ادلة السنن، فاضل لنكراني، محمد جواد، قم، مركز فقهی ائمه اطهار، ١٣٩٦ش.
٢٠. الكافي، كليني، محمد بن يعقوب، محقق: علي اكبر غفاري و ديگران، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ١٤٠٧ق.
٢١. كشف الرموز في شرح مختصر النافع، أبي، حسن بن ابيطالب، قم: جامعه المدرسين، ١٤٠٨ق.
٢٢. كليات في علم الرجال، سبحاني تبريزي، جعفر، قم: حوزه علميه قم، ١٣٦٩ش.
٢٣. المبسوط في فقه الاماميه، طوسي، محمد بن حسن، تهران، مكتبه المرتضويه، ١٣٨٧ش.
٢٤. المعتبر في شرح المختصر، حلي، جعفر بن حسن، قم: مؤسسه سيد الشهداء، ١٣٦٤ش.
٢٥. مشرعة بحار الأنوار، محسنی، محمد آصف، قم: مكتبة العزيزي، ١٤٢٣ق.
٢٦. معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، خويي، ابوالقاسم، ١٤١٣ق.
٢٧. من لا يحضره الفقيه، ابن بابويه، محمد بن علي، قم: جامعه مدرسين، ١٤١٣ق.
٢٨. نهاية الأفكار، عراقی، ضياء الدين، قم: جامعه مدرسين، ١٤١٧ق.
٢٩. نهاية الدراية في شرح الكفاية، اصفهاني، محمد حسين، مؤسسة آل البيت (عليه السلام)، ١٤٢٩ق.
٣٠. وسائل الشيعه، شيخ حر عاملی، محمد بن حسن، قم: مؤسسه آل البيت (عليه السلام)، ١٤٠٩ق.

مقالات

٤٧. «اعتبار روايات كافي»، مهدي، حسينيان قمي، همایش كنگره بين المللی بزرگداشت ثقة الاسلام كليني، صص ٣٩٥-٤٣٧. شماره اول، ١٣٨٨ش.